

■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۷۵۵ ■ دوشنبه ■ ۳ آبان ۱۴۰۰

ایران

مساحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱/۴۸ | آذان مغرب ۱۷/۳۵ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ | آذان صبح فردا ۴/۵۶ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۱

پیامبر(ص):

مؤمن نیرومند نزد خداوند بهتر و محبوب تر است از مؤمن ضعیف.

سخن روز
صحیح مسلم، ج ۸، ص ۵۶

نگاره

نیما شاه‌میری



هنرمندان در فضای مجازی

فرهنگی/ سالروز
میلاد حضرت محمد (ص) و امام جعفر صادق (ع) بهانه‌ای
بود تا برخی از

چهره‌های فرهنگی و هنری در پست‌هایی مناسبی این روز را تبریک بگویند و یا

پیشنهادهای فرهنگی مرتبط با این ایام را به مخاطبانشان داشته باشند. علی‌الله سلیمی، نویسنده چهارم «آنگ آن یتیم نظر کرده» با عنوان «هجرت بزرگ» محمدرضا سرشار را که به تازگی منتشر شده پیشنهاد داده است. آن طور که در توضیحات این پست آمده است در کتاب «آنگ آن یتیم نظر کرده» اگرچه نویسنده در پرداخت به سیره و زندگی حضرت محمد (ص) به منابع تاریخی استناد کرده، اما بهره‌گیری او از تخیل در پرداخت احوال روانی شخصیت‌های فرعی و توصیف مکان‌ها و اشیای نیز به وضوح مشهود است. مجید قیصری هم پستی از انتشارات کتابستان با محوریت معرفی رمان «سه کاهن» را بازتشر کرده است. قیصری در این کتاب به روایت ماجرای ترور رسول اکرم (ص) توسط یهودیان که موضوعی بکر در تاریخ اسلام است می‌پردازد؛ ماجراجویی که بسیاری از آن بی خبرند. این کتاب برنده جایزه ادبی اوراسیای روسیه در سال ۲۰۱۸ شده است.

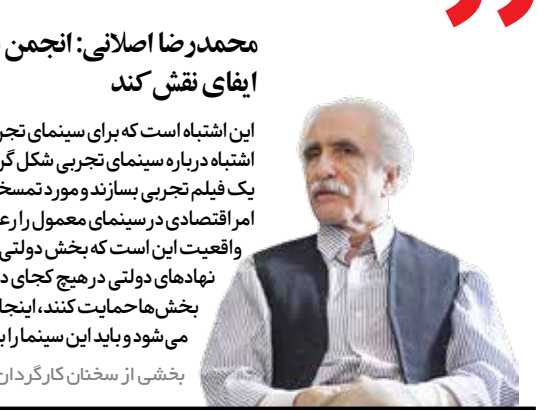
سریال «خسوف» به کارگردانی مازیار میری و تهیه‌کنندگی همایون اسعدیان در دومین قسمت به خاطر استفاده عبارات نادرست در باره هواداران تیم «پرسپولیس» درگیر حواشی شد. با بالا گرفتن دلخواری‌ها، کارگردان این سریال که طرفدار تیم آبی‌هاست در پست اینستاگرامی از هواداران تیم رقیب عذرخواهی کرد. او نوشت: «دوستان عزیز طرفدار تیم پرسپولیس متوجه شدم یکی از سکناس‌های قسمت دوم سریال بخشی از شما رو ناراحت و متأسفانه آزرده کرده است. می‌خوام عرض کنم من دوستان نزدیک و محترم طرفدار پرسپولیس کم ندارم که یکی از نزدیک‌ترین آنها تهیه‌کننده همین سریال است. من هیچ برنامه یا خدایی نکرده قصدی برای آزردن شما نداشتم اما اگر ناخوسته چنین کردم از همه شما معذرت می‌خواهم» همایون اسعدیان هم در این باره نوشت: «به عنوان یک هوادار قدیمی و وفادار به باشگاه پر افتخار پرسپولیس، از هواداران میلیونی این باشگاه بابت سهل انگاری پیش آمده در بخش کوچکی از سریال خسوف از طرف تیم سازنده عذرخواهی می‌کنم، عمیقاً یاور دارم که هیچ قصد و غرضی در این رابطه وجود نداشته، مسئولیت این اشتباه برعهده من در مقام تهیه‌کنندگی پروژه می‌باشد... که طی یکی دو روز آینده تصحیح خواهد شد اگر چه مازیار میری هوادار باشگاه محترم استقلال است؛ اما این اختلاف تأثیری در رفاقتمان نداشته و سال‌ها است در نهایت احترام برای هم کری می‌خوانیم بی آنکه به هم توهین کنیم. به امید ششمین قهرمانی برای ارتش سرخ آسیا...»

مهران غفوریان و وضعیت او پس از عمل جراحی قلب همچنان در فضای مجازی بازتاب دارد. منوچهر هادی کارگردان سریال «نسان آبی» ویدیویی از مهران غفوریان منتشر کرده است که به خاطر محتوای صحبت‌های این بازیگر قابل توجه است. غفوریان در این پیام ویدیویی از دلگرمی‌اش بابت دریافت بازخورد مردم و حساسیت‌شان نسبت به سلامتی‌اش می‌گوید. جواد رضویان هم با انتشار تصویری از خودش و غفوریان در باره آخرین وضعیت سلامتی او این گونه گزارش داده است: «به لطف خدای رحمان و دعای خیر شما پاکان حال مهران عزیز رو به بهبود است، امیدوارم لایق این همه مهر و محبت شما باشیم و خداوند شما رو در پناه خودش حفظ و از تمام بلاها دور نگه دارد.همچنان دعای خیرتون روز ما مهران دریغ نفرمایید»

رحمت‌امینی نماینده‌نویس و کارگردان تئاتر در تازه‌ترین پست اینستاگرامی‌اش از تأثیر هنر بخصوص موسیقی بر بهبود روان جامعه نوشته است. در بخشی از یادداشت اینستاگرامی او آمده است: «به دید و تصور من، یکی از چوچه‌امر به معروف، امکان دادن برای گسترش هر آن چیزی



پیشنهادمی‌کنم.»



بخشی از سخنان کارگردان سینما با مهر در جشنواره فیلم کوتاه تهران

سطرهایی در فقدان «هوشنگ چالنگی» شاعرِ مادرزاد

آخرین تصویر از کوچ عشایر

از جمله نام‌ها و شعرهایی که با آن در نوجوانی از نزدیک آشنا شدم یکی از مهم‌ترین‌هاش «هوشنگ چالنگی» بود و شعری که چند سطر عجیب‌اش زمزمه اهل شعر شده بود: «ذوالفقار را فرود آر/ بر خواب این ابریشم / که از «افیلیا»/ جز دهانی سروخون نمانده است.» او که ۱۳۲۰ در مسجدسلیمان به دنیا آمده بود دیروز در ۸۰ سالگی چشم از جهان فروبست. این چند بخش که می‌خوانید حاصل گفت‌وگویی است با او که سال‌ها پیش انجام شده و مروری به زندگی‌اش دارد.

۱. یادم هست از ۱۷-۱۶ سالگی غزل‌هایی را که می‌نوشتم برای مطبوعات شعر می‌فرستادم. حدوداً سال ۱۳۳۶ بود که شعرهایی از من در روزنامه‌هایی مثل فردوسی چاپ شد و به واسطه شعر آرام‌آرام با دوستان شاعرم آشنا شدم و حدود ۲۰سالگی بود که مرتب شعرهایم منتشر می‌شد. حدود سال ۴۶-۴۵ بود که آقای شاملو شعرهایی از من را در «خوشه» منتشر کرد و بعد هم گرایش پیدا کردیم به سمت «شعر دیگر»... دوستانی بودند مثل بیژن الهی، محمود شجاعی، یدالله رویایی و... این‌ها آن زمان در شعر مدرن خیلی مطرح بودند بخصوص بیژن عزیز. کمی بعدتر کسانی مثل بهرام اردبیلی و جوان‌ترهای دیگری مثل فیروز ناجی و... اضافه شدند. تا پایان سال ۴۳-۴۲ که سرباز سپاه داش بودم خوزستان زندگی می‌کردم و بعد به تهران آمدم. اول در لغتنامه دهخدا مشغول شدم و بعد رفتم «انتشارات فرانکلین». در واقع پنج، شش ماه در لغتنامه دهخدا، لغت فیش می‌کردم و آنجا از طرف هوشنگ آزادی‌ور و مرحوم شفیقانی پیش‌نحف دریافت‌نری مشغول به کار شدم. آنجا هم یکسال بیشتر نماندم.

۲. سال‌های ۴۷-۴۶ با بیژن الهی و بهرام اردبیلی و بچه‌های «شعر دیگر» آشنا شدم. یادم می‌آید مرحوم شاملو، برای شعرخوانی در دومین شب از شب‌های شعر خوشه از من دعوت کرد که شعر

یادداشت

محسن بوالحسنی
خبرنگار

زندگی، باد است

چرخ و فلک



زهره نیلی
روزنامه‌نگار

همه ما روزهای سختی را پشت سر گذاشتیم. همه ما نگران از دست دادن سلامتی خود و عزیزان‌مان بودیم. همه ما ترس از کرونا را کم و بیش تجربه کردیم. بعضی از ما عزیزان خود را از دست دادیم یا به این بیماری مبتلا شدیم. به جز این بوده‌اند بچه‌هایی که پدربزرگ و مادربزرگ یا حتی پدر و مادر خود را از دست داده‌اند اما واکنش و رفتار ما در مقابل غم، آن هم رنج از دست دادن، کمی با هم فرق داشته است. برای مثال ممکن است بعضی از ما اول خشمگین شده و بعد، گریه کرد یا شب به جای گریستن در یک سکوت عمیق و طولانی فرو رفته باشیم. روانشناس‌ها می‌گویند: ما معمولاً بعد از شنیدن هر خبر ناراحت‌کننده‌ای، «پنج» رفتار یا مرحله را طی می‌کنیم یا بروز می‌دهیم تا آرام شویم.

نخستین مرحله، انکار است. در واقع، ذهن ما نمی‌خواهد باور کند که اتفاق بدی افتاده و این انکار کردن، یک راه دفاع کردن از خود در برابر غم و مبارزه با آن است.

خشم، دومین گام است. عصبانیت باعث می‌شود ما درد خود را پنهان کنیم. به همین خاطر، ممکن است سر دوستان و همکلاسی‌های خود داد بزنیم یا بداخلاق و تندخو شویم.

جر و بحث کردن با خودمان و سرزنش خود، سومین مرحله است. در این مرحله، ممکن است این جمله‌ها را به خودمان بگوییم: «اگر مراقب مادر یا مادربزرگم بودم، او از پیش ما نمی‌رفت... ای کاش تنه‌اش نمی‌گذاشتم و...» به جز این ممکن است خیلی حساس شویم و یا هر حرفی زود گریه کنیم. اشکالی ندارد، ذهن ما دارد در برابر غم و اندوه از ما محافظت می‌کند. بعد از سرزنش کردن خودمان، آرام می‌شویم و این آرامش، چهارمین مرحله است. روانشناس‌ها می‌گویند، ممکن است افسرده شویم. تمرکز نداشته باشیم. سکوت کنیم یا ناگهان رفتارهای تند از خودمان نشان بدهیم. اینجاست که باید از یک روانپزشک یا روانشناس برای خوب شدن حال‌مان کمک بگیریم تا به پذیرش برسیم و قبول کنیم. درست است که هیچ‌وقت از دست دادن مادر یا مادربزرگ را فراموش نمی‌کنیم، اما می‌پذیریم که عزیزان ما رفته‌اند و ما باید این تغییر و اتفاق ناگوار را بپذیریم و به زندگی خود ادامه بدهیم. اصلاً یا این کار است که روح آنها هم به آرامش می‌رسد.

اما راه دشواری در پیش است تا آدم‌ها به این مرحله برسند و واقعیت‌های تلخ و غیرقابل تغییر زندگی‌شان را بپذیرند. طبیعی است هر چه سن و سال آدم‌ها کمتر باشد، سخت‌تر با مسأله مرگ کنار می‌آیند و آن را می‌پذیرند.

کتاب «زندگی شبیه باد است» نوشته شونا آیزنر بچه‌ها را با زندگی و مرگ آشنا می‌کند. تصویرگر این مجموعه ابریشش آگوج است و نویسنده و تصویرگر با هم و در کنار هم فضایی را فراهم می‌آورند که کودکان، مرگ را به‌عنوان یک بخش کاملاً طبیعی از زندگی می‌پذیرند.

بچه‌ها با خواندن این داستان یاد می‌گیرند تا گریه کنند و احساسات خود را در برابر غم از دست دادن عزیزان‌شان بروز دهند. این کتاب را احمد تصویری ترجمه و انتشارات مهرسا

منتشر کرده است.

محمدرضا اصلانی: انجمن سینمای جوان در نقش حامی سینمای تجربی ایفای نقش کند

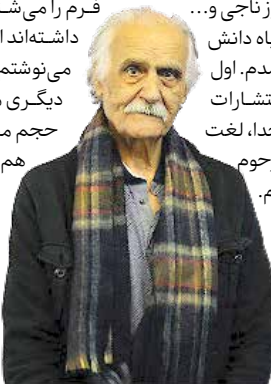
این اشتباه است که برای سینمای تجربی تصور مخاطب عام را داشته باشیم؛ این توقعی است که به‌صورت اشتباه در باره سینمای تجربی شکل گرفته و همین امر هم کارگردانان را ترسانده است، بچه‌های ترسند از اینکه یک فیلم تجربی بسازند و مورد تمسخر، نفی و طرد جامعه سینمایی قرار بگیرند. سینمای تجربی ضابطه‌های یک امر اقتصادی در سینمای معمول را رعایت نمی‌کند و ممکن است در کیان اقتصادی سینما تزلزل ایجاد کند ولی واقعیت این است که بخش دولتی دغدغه تجارت ندارد بلکه دغدغه آن رشد فرهنگ هر بخش است. مسأله نهادهای دولتی در هیچ کجای دنیا تجارت در آن بخش نیست بلکه رشد آن بخش است پس باید از آن بخش‌ها حمایت کنند، اینجاست که نقش انجمن سینمای جوان به‌عنوان حامی سینمای تجربی نمایان می‌شود و باید این سینما را بر خلاف عدم توجه منتقدان گسترش دهد.

بخشی از سخنان کارگردان سینما با مهر در جشنواره فیلم کوتاه تهران

یخونام اما من و بچه‌های «شعر دیگر» به این نتیجه رسیده بودیم که شعر ما در آن حیطه نمی‌تجد و تصمیم گرفتیم که به آن جلسه‌ها نرویم و شعرخوانی نکنیم. خوب یادم هست از همان خیابان صفی‌علیشاه با شاملو تماس گرفتیم و از ایشان عذر حضور خواستم و شاملو هم با منابت و لطف و گشاده‌رویی پذیرفت. شاملو آدم خوش اخلاقی بود و با همه مهربان بود از شاعر گرفته تا منتقد تا کارگر چاپخانه و... ۳. شنیده بودم که شاملو درباره شعر من گفته بود «شعر چالنگی، تصویرهایی دارد مثل تصویر کوچ ایل‌های بختیاری و...» به‌هر صورت رفت و آمد ما به دفتر خوشه در حد ۲۰ دقیقه سر زدن بود و بیشتر برای‌مان یادگویی بود که گاهی سر می‌زدیم و شاملو هم بسیار با گشاده‌رویی پذیرای ما بود و چند دقیقه‌ای می‌ماندیم و حال و احوالی می‌کردیم و می‌رقتم.

۴. رؤیایی در مورد چند نفر تحقیقی انجام داده و در این تحقیق، به این مسأله اشاره کرده که شعر این شاعران، حاصل شهود شاعرانه است یا تئوری و... آنجا نوشته که این مدرنیسم در شعرها نه حاصل اتفاقی تنوریک و پیش از نوشتن است، بلکه کاملاً به شهود شاعرانه و دنیای شاعر مربوط است. هر کار نویی که در زبان فرم و فضا انجام شده در این حیطه قرار می‌گیرد و کاملاً ناآگاهانه اما کسانی مثل اسلام‌پور، الهی و چند نفر دیگر را جزو شاعرانی می‌دانند که فرم را می‌شناختند و روی ظرفیت‌های زبان کار کرده‌اند و تمرین داشته‌اند اما من نه به آن شکل. من شاعر بودم و فقط شعر می‌نوشتم؛ البته ناآگاه نبودم اما شعر برای من بیش از هر چیز دیگری مهم بود. زمانی که بحث و امضای مانیفست شعر حجم مطرح شد من به هند رفته بودم و ایران نبودم. رؤیایی هم به این موضوع اشاره می‌کند. آن زمان این مانیفست و نظریات، تحلیل‌های پیشرو و نویی داشت و هیچ در نبودن مسأله خاصی نبود.

۵. در طول زندگی ام همیشه به این فکر می‌کنم که چه چیزهای بسیاری بود که دوست داشتم بیاومزم و فرصت نشد و این شاید یکی از حسرت‌هایی باشد که با خودم دارم.



از سربازی تا سرداری

پیشنهاد

مصطفی بیانی
نویسنده

«از سربازی تا سرداری» خاطرات غلامعلی سپهری با پژوهش سیایش نقیعی نژاد و به قلم مریم شیدا به بازار کتاب آمد. این کتاب مجموعه خاطرات سردار غلامعلی سپهری است که سال‌ها در گروه توپخانه یونس، فرماندهی کرده و هم اکنون نیز از مدیران ارشد باغ موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تهران است. دلاوری، شجاعت و مدیریت او در دفاع مقدس از او شخصیتی قابل تأمل ساخته، که مرور خاطراتش می‌تواند الگوی نسل‌های امروز و فردا باشد.

غلامعلی سپهری از پیشگسوتان توپخانه سپاه پاسداران و ارتش است که در طول دوره دفاع مقدس، افتخاراتی چون حضور در توپخانه لشکر ۹۲ زرهی و توپخانه لشکر ۱۹ فرقه‌ای، جانشینی توپخانه ۶۱ محرم سپاه و فرماندهی توپخانه ۴۲ یونس را در کارنامه‌اش ثبت کرده است.

سردار سپهری قریب به ۴۰ سال است که در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشغول به خدمت است و هم اکنون در واحد تحقیق و پژوهش باغ موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تهران فعالیت دارد. نویسنده در این اثر، علاوه بر زندگی‌نامه و خاطرات شخصی راوی، نگاهی اجمالی نیز به تأسیس اولین توپخانه ساحلی سپاه توپخانه دوره دفاع مقدس داشته و برای روشن شدن ابعاد موضوع، در بعضی از قسمت‌ها، روایت دیگر هم‌زمان او را به صورت پاورقی آورده‌است.

در پایان کتاب هم تصاویر و اسنادی از راوی و هم‌زمانش آمده‌است. این کتاب با شمارگان ۱۲۵۰ نسخه و در ۲۱۲ صفحه به قیمت هزنی استان فارس و توسط انتشارات سوره مهر، چاپ شده است.



عکس نوشت

همزمان با میلاد حضرت رسول اکرم(ص)، پل طبیعت در صبح یک روز پاییزی میزبان رویداد هنری «عصرانه‌های کارنگاتور» بود.
این مکان هنرمندان خوشنویسی به میان مردم آمدند تا با حضور در کنار آنها، آثارشان را خلق و عرضه کنند. گفتنی است شرکت نوسای عباس‌آباد در پل طبیعت این رویداد فرهنگی هنری را برگزار کرد و باعث شد تا این حوزه کمی از سایه خارج شده و دوباره در میان مردم جان تازه‌ای بگیرد.

...

ماه فروماند از جمال

محمد(ص)

سرو نباشد به اعتدال

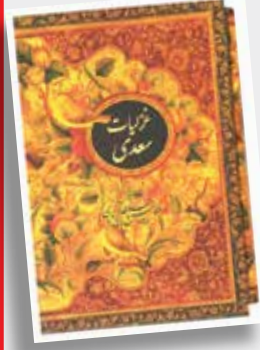
محمد(ص)

قدر فلک را کمال و

منزلتی نیست

در نظر قدر با کمال

محمد(ص)



غزلیات سعدی

سیره رسول خدا-۱۸

مشورت با همراهان

رایزنی و مشورت با افراد از راه‌های مؤثر جلب اعتماد و باعث پیشرفت امور به نحو مطلوب است. اگرچه ترجیح مؤمنان به اطاعت محض از رسول خدا(ص) و کنار نهادن دیدگاه‌های خود هنگام اظهار نظر پیامبر بود، اما شیوه منزلتی نیست از حضرت در ابعاد مختلف زندگی بویژه در جنگ‌ها رجوع به کارشناسان و پرسیدن نظر افراد خبره بود. این باعث می‌شد اطرافیان خود را شریک دعوت بدانند و برای به هدف رسیدن آن تلاش خالصانه‌تری به عمل آورند. وحی الهی نیز به رسول خدا(ص) سفارش می‌کرد: «و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله» (آل عمران آیه ۱۵۹).

از حضرت رضا(ع) نقل شده که درباره سیره پیامبر(ص) فرمود: «ان رسول الله کان یستشیر اصحابه ثم یعزم علی مایرید» رسول خدا با یارانش درباره قضایا مشورت می‌فرمود و آنگاه تصمیم نهایی را می‌گرفت. از نمونه‌های برجسته آن مشورت پیامبر اکرم(ص) در جنگ بدر است. آن حضرت در آن مقطع پیرامون اصل جنگ، تعیین موضع نبرد و موضوع دیگر با یاران خود مشورت کرد. نتیجه آن شد که ابتدا عده‌ای از جنگ شانه خالی کردند و گروه بیشتری تبعیت و آمادگی کامل خود را اعلام نمودند و گفتند ما سخنی را که بنی اسرائیل به موسی گفتند به تو نمی‌گوییم «اذهب انت و ربک فقاتلا انا ههنا قاعدون» (ای موسی) هرگز ما در آنجا دامادی که آنها باشند ما هم همراه شما می‌جنگیم. در این ماجرا رسول خدا(ص) چندبار مشورت یاران را طلبید و فرمود: «اشيروا علی ایها الناس» (رای خود را به من بگویید) انصار نیز در پاسخ از زبان سعد بن معاذ اظهار اطاعت کردند و آمادگی خود را برای جنگ اعلام داشتند. پیامبر اکرم(ص) پس از این مشورت‌ها عزم را جزم و تصمیم نهایی را گرفت و فرمود: به راه افتدید، مژده باد شما را که خداوند وعده پیروزی بر قریش یا تصاحب کاروان را داده است و حرکت را آغاز کرد. (سیره نبویه ج ۲ ص ۲۵۳)

در نبرد احد نیز رسول اکرم(ص) با اصحاب خود به رایزنی پرداخت و در خصوص شیوه مقابله با دشمن به گفت‌وگو نشست، فرمود: «اشيروا علی» (دیدگاه‌های مشورتی خود را برای من بازگویند) «عبدالله بن ابی» پیشنهاد کرد که در شهر بمانند و با دشمن روبه‌رو شوند. جوانان نوسر و برخی از رجال بزرگ اسلام از جمله حمزه و سعد بن عباد به پیکار در خارج شهر نظر داشتند. گفتند: ای رسول خدا(ص) می‌ترسیم دشمن گمان کند ما از ترس مقابله با آنان از شهر خارج نشده‌ایم و این موجب جرأت و گستاخی آنان بر ما شود، آنگاه خود را خواستار احدی الحسین شهادت یا پیروزی معرفی کردند. سرانجام پیامبر اکرم(ص) بر اساس رای اکثریت، عزم پیکار در بیرون شهر نموده و لباس رزم پوشید (المغازی ج ۱ ص ۲۱۱). اینگونه مشورت کردن، خط مشی آن حضرت بود، چنان که در نبرد احزاب نیز با اصحاب خود مشورت کرد. در پیکارهای «بنی قریظه» و «بنی نضیر» که از یهود مدینه بودند نیز چنین کرد.

رسول گرامی اسلام(ص) علاوه بر آنکه خود اهل مشورت بود دیگران را نیز توصیه می‌فرمود که به سیره او تاسی جسته و تنها به رای و نظر خویش اعتماد نکنند و به رایزنی با دیگران و جلب دیدگاه‌های خبرگان و آگاهان همت گمارند.

■ **احترام ویژه نسبت به کودکان**

ازجمله خصلت‌های ویژه رسول اکرم(ص) احترام به کودکان است. انسان در دوران کودکی در برابر محبت، ادب و احترام، عکس‌العمل‌های ویژه‌ای ابراز می‌دارد که نشان دهنده دلبستگی کامل این مقطع سنی از سوی پیامبر اکرم(ص) است. کودک در مقابل تکریم و احترام، پاسخ‌های معناداری از خود بروز می‌دهد. براین اساس، پیامبراسلام(ص) همواره احترام به کودکان را مدنظر داشت. حتی تکریم را به حدی می‌رساند که گاهی در بازی، همراه آنان می‌شد. باید توجه داشت که کودکان امروز، بزرگسالان فردایند و آنچه در کودکی دیده، آموخته و یا تجربه کرده‌اند، به مثابه نقش روی سنگ بر صفحه دل و لوح جان آنان با پایان عمر می‌ماند و زایل نمی‌شود. از انس بن مالک روایت شده که رسول خدا(ص) هرگاه بر کودکان می‌گذشت به آنان سلام می‌کرد. در کتاب خصال نیز آمده است که حضرت می‌فرمود: یکی از پنج خصلتی که تا پایان عمر هرگز ترک نخواهم کرد سلام کردن به کودکان است. تا پس از من به صورت سنت درآید. انس بن مالک در جایی دیگر می‌گوید ما کودک بودیم که رسول خدا برما گذشت و فرمود: سلام بر شما کودکان. در محجة البیضاء ذکر شده است: موقعی که رسول اکرم(ص) از سفری مراجعت می‌کرد اگر در راه با کودکان برخورد می‌کرد به احترام آنان می‌ایستاد، سپس می‌فرمود کودکان را می‌آوردند نزد آن حضرت، پس حضرت برخی از آنان را در آغوش می‌گرفت و برخی را بر پشت و دوش خود سوار می‌کرد و اصحاب خود را نیز به این کار توصیه می‌فرمود. کودکان از این صحنه بی‌ادناه خوشحال می‌شدند و خاطره شیرین آن را هرگز فراموش نمی‌کردند.

